

سرگذشت يك نسخه خطی از

قانون ابن سینا

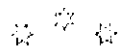
بقلم آقای : عباس اقبال

استاد جغرافیای اقتصادی و انسانی

در فروردین ماه سال ۱۳۲۸ در شهر شیراز بیک قسمت از يك نسخه قدیم و نفیس از قانون شیخ الرئيس ابوعلی سینا دست یافتیم که علاوه بر قدمت و صحت و نفاست متضمن حیثیات تاریخی دیگری است که اشاره بآنها را در اینجا بی مناسبت نمیدانم. این نسخه خطی بزرگ بقطع ۳۳×۲۵ سانتیمتر و حاوی ۱۳۸ ورق است و بر هر صفحه آن ۳۹ سطر بخط نسخ ریز کتابت شده و غالب کلمات آن مشکول است و در حواشی صفحات غالباً خوانندگان بعدی بنوشتن توضیحاتی لغوی در خصوص پاره‌ای از مشکلات متن مبادرت کرده‌اند.

بدبختانه این نسخه از آخر افتادگی دارد یعنی آنچه موجود است تمام کتاب اول و دوم قانون است با قسمت اعظم از کتاب سوم (تا آخر المقالة الاولى از فن ثالث عشر از این کتاب)، بقیه تا آخر کتاب قانون از این نسخه ساقط شده است. تاریخ کتابت آن در آخر کتاب اول: «الرابع والعشرون من ذی القعدة سنة احدى و ثلثین و ستمیه» و در آخر کتاب دوم: «حادی والعشرون من ذی الحجة» از همان سال ۶۳۱ است بنابراین نسخه حاضر در حدود دو بیست و سه سال بعد از فوت شیخ بکتابت درآمده.

جلد نسخه نیز قدیمی است و ظواهر امر مینماید که متعلق بهمان ایام کتابت نسخه باشد.



عنوان کتاب در پشت ورق اول در میان مربع مستطیل منهدبی بامر کب مشکی بخط نسخ بسیار خوش نوشته شده و در زیر این مربع مستطیل در میان مربع دیگری که اضلاع آن بحد يك سانتیمتر زرنگار است این عبارت قلمی گردیده:

« من عطایاء السلطان الاعظم والخاقان المعظم ممالك ملوك العرب والعجم
المنصوص بعناية الله ونصرته الاعز والاكرم السلطان محمد بن السلطان مراد خان خلد الله
تعالی سلطانه واوضح علی العالمین برهانیه لافقر العباد والناس خضر بن الفقیه الیاس عصبه
من الیاس والیاس بر رب الناس وخیر الناس وآله المطهرین عن القیاس » .

این نوشته صریح است که نسخه موضوع بحث ما را سلطان محمد خان ثانی
(۸۵۵-۸۸۶) سلطان بسیار مشهور عثمانی که در تاریخ ۱۹ جمادی الاولی از سال ۸۵۷
(مطابق ۲۹ مه ۱۴۵۳ میلادی) شهر قسطنطنیه پایتخت روم شرقی را فتح کرده
و بهمین مناسبت هم سلطان محمد فاتح شهرت یافته بخضر بن الفقیه الیاس کاتب سطور
مد کور در فوق بخشیده بوده است .

اگرچه از احوال ابن خضر بن الیاس که بنا بر نوشته پسرش خیرالدین لقب داشته
و در تاریخ سال ۸۸۷ وفات یافته اطلاع مبسوطی بدست نداریم لیکن انتقال این نسخه
قانون از دربار عثمانی بشیرازو علم بوجود يك خانواده از اطباء بنام خاندان فقیه الیاس
در این شهر اخیر از حدود نیمه دوم از قرن ششم هجری تقریباً مسلم میدارد که ابن
خیرالدین خضر بن الفقیه الیاس نیز از همین خاندان مشهور بوده است اما درست
نمیدانیم که وی بچه کیفیت بدربار سلطان محمد فاتح راه یافته (شاید بقصد زیارت
مکه یا سفارت یا طبابت) و چگونه مورد عنایت او شده است .

در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران (رجوع کنید بفهرست مرحوم اعتصامی
س ۳۳ تحت شماره ۷۰) دو جلد از کشف زمخشری در یک مجلد هست که در سال
۷۴۴ تحریر شده و در صفحه مذهب پشت ورق اول آن این عبارت مرقوم است :

« هذا من عطایاء سلطان السلاطین ظل الله تعالی علی الخلائق اجمعین السلطان بن
السلطان السلطان محمد بن مراد خان خلد الله تعالی ملكه وابد دولته وشو کته ووفقه
لمایحیه ویرضاه من الاخلاق الحمیده المرضیه والافعال الصالحه السنیه لافقر العباد والناس
خضر بن الفقیه الیاس عفی عنهما » و در ذیل این نوشته چنین مسطور است :

۱- همین امروز یعنی جمعه هشتم خرداد ۱۳۳۱ مطابق با ۲۹ مه ۱۹۵۳ که این
سطور قلمی میگردد درست بانصد سال شمسی از تاریخ فتح قسطنطنیه (استانبول) بدست
سلطان محمد ثانی میگردد و بهمین علت دولت وملت ترکیه مشغول اقامه جشن مهمی بیاد
این واقعه عظیم هستند .

« والآن من عواری الزمان عند الفقیر لطف الله بن خضر بن الیاس بالارث الشرعی عن والدی عفی الله عنی و عنه وعن اسلافی » .

چنانکه ملاحظه میفرمائید این نسخه نیز مانند نسخه قانون مورد بحث ما از جانب همان سلطان محمد فاتح بهمان خضر بن فقیه الیاس هدیه شده است شاید غیر از این دو نسخه دانشمند مذکور نسخ نفیسه دیگری هم از هدایای سلطان محمد با خود بایران آورده بوده است . بهر حال جای کمال خوشوقتی است که این دو نسخه گرانبها که این مزایای تاریخی را نیز محتویند از دستبرد حوادث زمان مصون مانده و بعصر ما منتقل شده در پشت ورق اول از نسخه خطی قانون در بالا در گوشه دست چپ صفحه چنین نوشته شده : « هذا من عواری الزمان عند الفقیر الی الغنی الخبیر عطاء الله بن خضر بن الیاس عفی عنهم الولی المعین النصیر » .

در قسمت پائین همین صفحه چنین مرقوم است : « وانتقل الان بالارث الشرعی من ابی مولانا خیر الدین بن الفقیه الیاس وانا الفقیر عطاء الله بن خضر بن الیاس عصمه الله عن الیاس وکان وفات ابی المرحوم المزبور صبیحة یوم الجمعة من شهر رمضان من شهر سنة تسع وثمانین وثمانمائة الهجرية المصطفوية علی هاجرها افضل التحیات و التسلیمات » از این دو عبارت و عبارت مرقوم در پشت ورق اول نسخه کشف چنین برمیآید که بعد از مردن خیرالدین خضر بن فقیه الیاس در رمضان سال ۸۸۹ کتب او بین فرزندان بارث تقسیم شده از آن جمله نسخه قانون ما بعطاء الله یک پسرش و نسخه کشف کتابخانه مجلس یک پسر دیگری لطف الله رسیده بوده و این نسخه نانی را بعد از وفات لطف الله کسی از خواهر او که نفیسه نام داشته خریداری کرده است .

اما خاندان فقیه الیاس که بطن قوی این خیرالدین خضر و دو پسرش عطاء الله و لطف الله و خواهر ایشان نفیسه مالکین دو نسخه خطی قانون و کشف موجود بآن منتسب بوده اند از اعقاب خواجه صائین الدین فقیه الیاس اند که در نیمه دوم قرن ششم در شیراز میزیسته و پسرش فقیه نجم الدین محمود در طب و فقه صاحب چند تألیف است از جمله کتاب الحاوی فی التداوی او شهرت دارد و از آن نسخ عدیده موجود است .

نجم الدین محمود مذکور مؤلف کتاب دیگری است در طب بزبان فارسی بنام غیاثیه که آنرا مؤلف باسم امیر غیاث الدین یسودر بن جرغوثای از امرای ازغون خان مغول نوشته و این امیر که در سال ۶۸۸ بمأموریت وصول مالیات عقب افتاده یزد

از جانب ارغون نزد اتابك يوسف شاه رفته بدست او بقتل رسیده است .

نجم‌الدین محمود برادرزاده‌ای داشته‌است بنام جلال‌الدین احمد بن یوسف بن فقیه‌الیاس که عربی و فارسی شعر می‌گفته و صاحب دیوان و ملاماتی لطیف بوده و نواده او یعنی منصور بن محمد بن یوسف بن الیاس مؤلف کتابی است در طب بزبان فارسی بعنوان کفایه مجاهدیه بنام سلطان مجاهد‌الدین زین‌العابدین (۷۸۶-۷۹۳) پسر شاه شجاع از سلاطین آل مظفر و کتابی دیگر بنام تشریح منصورى (ظاهراً باسم شاه منصور از همان سلسله) . برای اطلاع بیشتر در باب خاندان فقیه‌الیاس و مشهورین ایشان رجوع کنید بشدالازارص ۲۷۷-۲۷۹ و حواشی آن . کشف‌الظنون در عنوانهای الحاوی فی النداوی و تشریح منصورى ، فارس نامه ناصری ص ۱۴۱ ج ۲ ، مجله یادگار شماره سوم از سال سوم و فهرست مرحوم اعتصامی ص ۳۳ و ۳۰۵ .

از مطالعه شرح مذکور چنین بر می‌آید که خاندان حسان‌الدین فقیه‌الیاس تا حدود اواخر قرن هشتم در شیراز میزیسته و در میان ایشان دانشمندان و اطیبانی بوده‌اند که بکار تألیف کتب طبی اشتغال داشته و بهمین نظر قریب بیقین است که خیرالدین خضربن فقیه‌الیاس مالک نسخه‌های خطی قانون و کشف هم که در نیمه دوم قرن نهم زندگانی می‌کرده از اخلاف همان دانشمندان زمان آل مظفر بوده‌است . بدبختانه بعلمت نداشتن ماخذ کافی در دسترس و عجله‌ای که در کار نوشتن این مقاله در پیش بود تعیین وجه قرابت او با متقدمین این خاندان میسر نگردید .

پژوهش‌های علمی و مطالعات فریبگی

از روی یادداشتهای چندی که در پشت ورق اول نسخه خطی قانون باقیست معلوم میشود که آن کتاب بعد از خاندان فقیه‌الیاس در دستهای مختلف گشته . از جمله در سال ۱۱۳۹ ملک کسی بوده و منجمی بنام میرزا بدیع‌الزمان در تاریخ شش ساعتی شب شنبه هشتم شهر صفر همان سال صورت زایچه‌ای را استخراج و در پشت ورق سفید اول کتاب رسم نموده . بعد در تاریخ ۱۱۴۲ در «سلک ملک‌الفقیه حسین المنجم» قرار داشته سپس مالک دیگری در پشت ورق اول آن چنین نوشته است : « دخل فی ملک‌الفقیه الی عفورب‌الغنی‌المغنی محمد مهدی الحسنی‌الحسینی » .

این محمد مهدی حسینی حسینی ظاهراً یکی از افراد خاندان سادات شریفی حسینی حسینی معروف بکلانتران سابق شیراز بوده است (رجوع کنید بفارس نامه

ناصری ص ۱۰۴-۱۰۵ ج ۲). بعد از وی نسخه قانون پسرش عبدالعزیز انتقال یافته و مدتی نیز محمد بن محمد زمان نامی آنرا در ملکیت داشته است.

این نسخه خطی قانون را در سال ۱۲۴۰ محمد کاظم الحسینی المتطبیب الشیرازی که مهر مربع شکل او نیز در زیر رقمش باقیست خرید و در ۱۲۸۲ از او پسرش عبدالرحیم طبیب بارث انتقال یافته و در ۱۲۷۲ از این اخیر پسر وی علی محمد بارث رسیده است.

این میرزا علی محمد بن عبدالرحیم بن محمد کاظم الحسینی از اطباء مشهور شیراز بوده و در سال ۱۲۸۸ وفات نموده است (آثار عجم حاشیه ۵۳۳). بعد از وفات مرحوم میرزا علی محمد طبیب تا تاریخی که نگارنده آنرا در شیراز خریدم دیگر معلوم نیست که آن نسخه عزیز قدیم کجا بوده و چند دست دیگر گشته است.

عباس اقبال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی